

هر کس در ضمن کار های روزانه خود میتواند به این حقیقت که «کلیه جوامع بشری در حال تحرك میباشد» پی برده و عوامل موجود: از قبیل پیشرفتهای چشم گیر در زمینه کارهای فنی، گسترش و توسعه مسائل اقتصادی، تحولات و پیشرفتهای سریع موازین علمی که به روشن شدن افکار و بالا بردن سطح معلومات عمومی کمک های شایان می نماید و سایر

پدیده های اجتماعی عصر حاضر که همه دست بدست هم داده و سبب بوجود آوردن این تحركات گردیده است متوجه شود. با کمی دقت در می یابیم که تحولات اخیر آن چنان و با سرعت غیر قابل توصیفی در تمام سطوح پیشروی نموده است که گاهی تحمل و هضم آن برای کلیه افراد و طبقات بدلیل غیر مترقبه بودن آن مشکل مینماید. زیرا جامعه از اجزاء و سلولهای

مختلف با استعداد های متفاوت متشکل گردیده که هر کدام در جای خود برای پیشبرد مقاصد اجتماعی نقشی را دارا می باشند. خانواده نیز قسمتی از افراد اجتماع را در طبقات مختلف تشکیل میدهد.

زمانی که خانواده ها بجهت محدودیت هایشان در مقابل هرگونه تغییر و تحول اجتماعی خود را کنار میکشیدند گذشت.

از : دکتر آصفه آصفی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

نقش خانواده در پیشرفت جامعه



کار

یکی از عوامل بوجود آورنده تحرك عظیم اجتماع کار میباشد . امروز دیگر زمان گذشته نیست که تنها پدر بعنوان رئیس خانواده کار بکند و همه چیز در اطراف او متمرکز شود .

آن زمان مشاغل منحصر به لطفاً ورق بزنید

خانواده ها در بردارد و مسائل بسیاری در این زمینه برای اولیاء و مریبان بوجود میآورد . اولین گامی که میتوان برای حل این مسائل برداشت شناسائی و آگاهی بدانها است . البته تعداد این تغییرات بسیار است ولی ما در اینجا بعنوان نمونه بمطالعه و تحقیق در تعدادی از آنها که شامل کار . فرهنگ . تعلیم و تربیت و زندگی اجتماعی میباشد میپردازیم .

امروز آن محدودیت ها از بین رفته و جامعه و خانواده متقابلاً از هم انتظاراتی دارند .

اگر با چشم بازتر حقایق را بنگریم میبینیم که خانواده برای هماهنگ کردن خود با این تحرك باید از تحولاتی که سبب بوجود آمدن این تحول میشود اطلاع کامل داشته باشد و نقش خود را در مقابل آن بداند . بدون شك این تحولات مشکلاتی برای



کارهای کشاورزی . استخراج معادن و چند شغل آزاد دیگر بود و پدر بعنوان فرد موثر خانواده بانجام این قبیل کارها اشتغال داشت .

تحول خانواده

امروز در خانواده از قانون تقسیم کار استفاده میشود . افراد بالغ و جوان خانواده میخواهند از نیروی خود برای انجام کاری استفاده کنند و وقت خود را بیهوده از دست ندهند . با استقبال شدید مردم از کار وضع اقتصادی کشور ها روبرو بهبود رفته و گسترش بیشتری پیدا کرده است هر فردی بر حسب سلیقه و تمایل خود کار میکند و درمقابل آن دستمزدی دریافت میدارد و بدینگونه ارزش پول نیز برای مردم شناخته شده است . امروز به بچهها پول توجیبی داده میشود تا ارزش آنرا درک کنند . در گذشته پدر خانواده با پدر خود کار میکرد و فقط باین اکتفا میکرد که پدر خرج خورد و خوراک او را بدهد . ولی امروز دیگر جوانان این اصول را نمیپذیرند . آنها مایلند که درمقابل کاری که انجام میدهند پول مناسبی بگیرند زیرا زندگی فقط در خوردن و خوابیدن خلاصه نشده است و جوانان بصورت يك مجموعه فعال اجتماع درآمدهاند که يك سلسله از کارهای اقتصادی منحصر در اختیار آنها در آمده ، میبینیم که کارواقتصاد امروز با گذشته تفاوت بسیار یافته



و محققین را در مقابل مسئله جدیدی که اقتصاد نوین میباشد قرار داده است .

فرهنگ و گسترش تحصیلات

همزمان با تحول اقتصادی تحولاتی

نیز در فرهنگ بوجود آمده که اثرات آن در گسترش دوران تحصیلی میباشد . با توجه بوضع تحصیلی در ۱۰۰ سال قبل میتوان به چگونگی این تحول عظیم واقف شد .

در آن زمان کمتر کسی بود که

موثر واقع شدند . با بوجود آمدن این تحولات ارزشهای افراد نیز تغییر کرد. پدر دیگر فرد مستبد و فرمانده خانواده نیست و خانواده از آن حالت خمودگی بیرون آمده و شخصیت خاصی کسب نموده است .

افراد در بسیاری از شئون زندگی دارای آزادی شده اند و میتوانند آزادانه بیاندهند یا آزادانه تصمیم بگیرند و عمل کنند .

بطور کلی میتوان گفت که اجتماع امروز با دیروز فاصله بسیاری دارد . مردم دیگر فقط در فکر پول درآوردن برای خورد و خوراک نیستند . روشن بینی و واقع بینی افراد آنها را بدرک تحولات عظیم اجتماع راهنمایی نموده است . جای آن است که پدران و مادران و مربیان نیز همواره فرزندان خود را با تغییرات و اکتشافات جدید آشنا نمایند و آنها را برای قبول هرگونه تغییر و تحول معقول آماده نمایند . چنانکه در مقابل وقوع هر حادثه ای صحیح بیاندهند و تصمیم بگیرند .

هیچ بعید نیست که دنیای فردا نیز با دنیای امروز تفاوت کلی داشته باشد .

زیرا خانواده است که میتواند فکر کودک را روشن کند . نحوه تشخیص صحیح را باو بیاموزد و با بکار بردن روشهای تعلیم و تربیت آمادگی پذیرش پدیده های جدید زندگی را در کودک بوجود آورند .

ولی بعد از اینکه درس خواندن و تحصیل چند سالی اجباری شد و مدت آن دائم روبه افزایش رفت . سن بلوغ تغییر یافت دیگر کودکان و جوانان فقط بکار آموزشی اکتفا نمیکردند و بصورت دانش آموز و دانشجویه کسب علوم می برداختند . این تحولات مسائل بسیاری بوجود آورد که از جمله میتوان تعلیم و تربیت صحیح کودکان و نوجوانان را نام برد . امروز اجتماعات توسط فرهنگشان شناخته میشوند و تنها فعالیتهای تولیدی برای پیشرفت اجتماعات کافی نیست .

در گذشته برای افراد فقط خانواده و امور مذهبی مورد توجه قرار میگرفت و تحصیلات افراد در برخی از مواقع منحصر به مقداری روایتهای مذهبی که اجداد و پدران برایشان تعریف میکردند میشد .

در نیمه دوم قرن نوزدهم بود که بتحصیلات توجه بسیاری شد . فرهنگ کم کم اهمیت بسیاری پیدا کرد بتحصیل گماردن بچه ها جزو عادات خانواده ها گردید و موسسات تربیتی روز بروز زیادتر شدند .

وسائل ارتباط جمعی

پدیده های مدرن زندگی چون رادیو . تلویزیون . سینما و انتشار روزنامه و مجلات متعدد هر یک بنحوی در روشن کردن افکار و عقاید مردم



بتحصیل پیردازد . بچه ها از همان کودکی با پدران خود در معادن . کارگاههای خانوادگی . مغازه ها و غیره بکار می برداختند و این سبب میشد که خیلی زود حالت کودکی خود را از دست بدهند .